



منهاج

فصلنامه علمی دانشجویی منهاج

صاحب امتیاز انجمن علمی دانشجویی علوم قرآن
و حدیث دانشگاه الزهراء (س)/شماره ۶ / بهار ۱۴۰۳

فصلنامه علمی

فصلنامه علمی دانشجویی منهاج
انجمن علمی دانشجویی علوم قرآن و حدیث دانشگاه
الزهرا (س)

شماره ۶- بهار ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: فاطمه بهرامی

مدیر مسئول: زهرا ژاله وحدتی

سردبیر: انسیه رحیمی راد

ویراستار: زهره دهدشتی

صفحه آرا: مهلا شیرین بهادر، فاطمه مرتضی پور

هیئت تحریریه: زهرا ژاله وحدتی، انسیه رحیمی راد

سیده فاطمه رسولی، زهرا حق بین، ریحانه مروتی

شماره تلفن مدیر مسئول ۰۹۱۸۲۵۲۳۶۸۱



quranic-sciences-a



quranic-sciences-a



فصلنامه علمی دانشجویی منهاج

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی علوم قرآن

و حدیث دانشگاه الزهرا (س) - شماره ۶ بهار ۱۴۰۳

- ۱/ سخن سردبیر
- ۲/ یک آیه تدبیر
- ۳/ شرح حدیث
- ۴/ روزنامه
- ۵/ مردان حدیثی
- ۸/ ستاره های قرآنی
- ۹/ تدبیر در صحیفه

دانشگاه الزهرا



سخن سردیر

به نام خدای متعال
دغدغه‌مندی دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و
علاقه‌مندی اعضای انجمن علمی این رشته به انتشار
اطلاعات قرآنی و مسائل پیرامون آن منجر شد که نشریه
منه‌اج عهده‌دار انجام این وظیفه شود و بار دیگر آغاز به
فعالیت کند.
منه‌اج در جدیدترین شماره، مسائلی چون یک آیه تدبیر،
شرح حدیث، مردان حدیثی، ستاره‌های قرآنی و... را در خود
جای داده‌است.
امید است ان شاء الله با مطالعه این مطالب، اطلاعات مفیدی
به دست شما عزیزان برسد.

یک آیه تدبیر

زهرا حوتی بینکارشناسی علوم قرآن و حدیث

آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

ترجمه آیه:

«از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند، صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند). برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند.»

واژه نامه:

کلمه «نحب» دارای معانی زیادی است؛ ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود.

در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، «يُودُّوْا لَوْ اَنَّهُمْ بَادُوْنَ فِي الْاُغْرَابِ» گروهی در انتظار شهادت‌اند. «وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ»

امام حسین (علیه السلام) در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می‌فرمودند:

مؤمن با این که شهادت دوستان و عزیزان خود را می‌بیند، باز خود در انتظار شهادت است: «وَ مَا بَدَلُوْا تَبْدِيْلًا»

نکات تفسیری آیه:

آوردن «من بعض» بر سر آیه بیانگر این است که همه مؤمنان در یک درجه و مرتبه نیستند: ««من المومنین...»»

آیه با نقل کمالات عده ای در پی تربیت دیگران است؛ چراکه از راه های تربیت، ذکر کمالات دیگران است.

نشانه صداقت در ایمان و عهد، دفاع از حق تا مرز جان و شهادت است و تعهد و عمل لازم الاجراست: ««صدقوا ما عاهد الله عليه»»

لزوم بزرگداشت شهدا یک درس قرآنی است: ««فمنهم من قضی نحبه»»
انتظار شهادت یک امر ارزشمند است و باب شهادت باز است: ««و منهم من ينتظر»»

شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی‌شود.

شرح حدیث

زهرا حجت بین اخبار شناس علوم قرآن و حدیث

رسول الله (صلى الله عليه و آله) : «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.»
«مافوق هر نیکی، نیکی بیشتر و هنری وجود دارد، آنجا که مردی که در راه خدا کشته می شود، بالاتر از آن نیکی نیست.»

طبق فرموده رسول اکرم(ص)، مقام رفیع شهادت به گونه ای است که مافوقی برای آن نمی توان متصور شد و از درک ما خارج است. چرا که شهادت یعنی فدا شدن در راه حق و ارزشمندترین سرمایه ای که انسان می تواند داشته باشد، جان اوست که شهید آن را با میل و اشتیاق در راه حق آن را فدا می کند و با میل و اشتیاق و صدق نیت خود را با بهای جانش نشان می دهد. بنابراین مافوق این نیکی و فدا شدن چیزی نمی تواند وجود داشته باشد. و همین است که جایگاه اخروی آنان نیز در برترین جایگاه هاست و حیات نیک او همیشگیه و جاودان.

پس به گفته قرآن در مورد شهید نباید لفظ مرگ را به کار برد؛ زیرا که خداوند نیز در آیات خود بسیار آنان را تکریم کرده و می فرماید:
«(و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لاتشعرون»)
و در آخر آیه نیز اشاره به عدم درک مردم از به این مقام است.
وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۵۰۱

سند(۱): محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله (ع) قال قال رسول الله (ص) موثق (السکونی: غیر امامی ثقه)

سند(۲): رواه الصدوق فی الخصال عن محمد بن الحسن عن الصفار عن العباس بن معروف عن ابی همام عن محمد بن سعید بن غروان عن السکونی عن ابی عبدالله (ع) قال قال رسول الله (ص)

ضعیف (محمد بن سعید بن غزوان: مجهول الحال)



روزنامه

دلّم برای رئیسی سوخت...

انسبہ رحیمی زاده، انکارشناس علوم قرآن و حدیث

صبح روز ۱۴ خرداد در مراسم رحلت امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای مطلبی را فرمودند که دلّم را به درد آورد.

ایشان گفتند: «من دیدم بعد از فقدان این عزیز (شهید رئیسی) روزنامه‌ها، مطبوعات، افراد و جریان‌های مختلف از خدمات او و از تلاش شبانه‌روزی او حرف می‌زنند. دلّم برای رئیسی سوخت... در زمان حیات او این‌ها حتی یک کلمه از این حرف‌ها را حاضر نبودند بزنند.» به فکر فرو رفتیم! شاید ما باید می‌گفتیم... بله ما باید می‌گفتیم. باید می‌گفتیم که او چه خدماتی انجام داد و چه کارهای بزرگی را به ثمر رساند؛ اما نگفتیم...

نگفتیم و اجازه دادیم که هر کس هر چه می‌خواهد بگوید و هرگونه می‌خواهد قضاوتش کند. به هر حال ما نگفتیم اما به قول رسانه‌های‌ها، خدا رسانه‌اش شد.

اما...

با خود فکر کردم که حالا که نگفتیم و نکردیم و دیر شد و دل رهبرمان سوخت. این گذشت، از این به بعد چه باید کرد و چه کارهای دیگری هست که باید به موقع انجام داد تا دل رهبرمان نسوزد از اینکه دیر شد؟

کمی که زمان را بررسی کنیم و کمی با زمان پیش برویم، تشخیص خواهیم داد که کجا زمان انجام چه کاری است! چنان که امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند: «انسان زمان خویش باش!»

از زمان که عقب بمانی، دل امامت را خواهی سوزاند.

در کربلا از ابا عبدالله (ع) خواستند که قیام نکند و صلح کند چنان که امام حسن (ع) صلح کرد، عقب بودند از زمان خویش و حال آنکه زمان صلح، آن زمان نبود.

همان‌ها از امام سجاد (ع) خواستند قیام کنند. باز هم عقب بودند. از زمان خویش و حال آنکه قیام برای کربلا بود که آن‌ها یاری نکردند امام را. آری این‌گونه است؛ عقب که بمانی، دل امامت را خواهی سوزاند...

برای آنکه از زمان عقب نماند، باید ماموریت امام را شناخت و با آن ماموریت همراه و همسو بود. پایه‌پای امام زمان خویش گام بردار!

همراه با امام زمانت که باشی، انسان زمان خود خواهی بود...

دیگر نه بی‌موقع سکوت می‌کنی، نه ادعای قیام... ..

وقتی هم که رهبرت حکم به جهاد تبیین می‌دهد، با تمام وجود جهاد می‌کنی در تبیین.

نکند بعد از انتخابات دل امامت را بسوزانی که چرا کسی مردم را تبیین نکرد؟! ...

مردان حدیثی

زهرا ژاله و حریر حاکم‌شاسی علوم قرآن و حدیث

محمد بن عزالدین حسین یا محمد بن حسین بن عبدالصمد حارثی مشهور به شیخ بهایی از دانشمندان بنام عهد شاه عباس صفوی است که در بعلبک (یکی از شهرهای لبنان) متولد شد. نسب وی به حارث همدانی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد؛ از این رو به حارثی همدانی نیز شهرت دارد. پدرش شیخ حسین بن عبدالصمد از علمای بزرگ جبل عامل، شاگرد خلف شهید ثانی، صاحب تصانیف روایی و اخلاقی بوده است.

کودکی شیخ، مصادف بود با دو امر مهم: ۱. خشونت سلاطین عثمانی نسبت به شیعیان جبل عامل؛ چون آن زمان، لبنان مستعمره حکومت عثمانی بود؛ ۲. هجرت سلف صالح علمای جبل عامل، محقق کرکی از سال ۹۱۶ به ایران با دعوت دولت صفویه؛ لذا جناب حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهایی)، در سال ۹۶۰ از جبل عامل به اصفهان هجرت نمود.

شهرت علمی شیخ بهایی در حدی بود که شیخ علی منشار عاملی، شیخ الاسلام دولت صفویه، دختر خود را به شیخ بهایی تزویج نمود و همچنین شیخ بهایی را به‌عنوان جانشین خود انتخاب کرد.

همسر جناب شیخ بهایی زنی پارسا، دانشمند، حدیث‌شناس، فقیه، محقق و مدرس بوده است. در آن روزگار که بسیاری از زنان بلکه اغلب مردان از سواد خواندن و نوشتن محروم بودند و یا تحصیل علم را برای زنان لازم نمی‌شمردند، همسر شیخ بهاءالدین استادی بلندپایه بود.

همسر شیخ، پس از درگذشت پدر، کتابخانه نفیس چهار هزار جلدی او را به ارث برد و شیخ بهایی آن را وقف کرد؛ ولی پس از وفات شیخ بهایی، این کتابخانه به سبب اهمال در نگهداری از بین رفت. شیخ بهایی نزد استادان فرزانه‌ای تلمذ کردند و نتیجه این شاگردی، سرآمد بودن ایشان در بسیاری از علوم شد.

تلاش های علمی ایشان باعث اوج گرفتن ایران در علوم مختلف گردید تا آنجا که امروزه نیز از آثار ایشان در تدریس دانشگاه و حوزه تدریس استفاده می شود.

اساتید بزرگوار شیخ بهایی:

۱. عزالدین حسین جبل عاملی، پدر بزرگوار شیخ: اولین و مهم‌ترین استاد شیخ بهایی، پدرش بود که نزد وی تفسیر و حدیث و ادبیات عرب و مقداری معقول خواند.
۲. ملا عبدالله بن شهاب‌الدین مدرس یزدی: شیخ بهایی نزد این استاد وارسته به یادگیری منطق، فلسفه و کلام پرداخت.
۳. محمد بن عبداللطیف مقدسی: شیخ صحیح بخاری را نزد او آموخته است.
۴. حکیم‌الدین (اعتمادالدین) محمود: شیخ بهایی کتاب «قانون» نوشته ابوعلی سینا را که درباره طب است، از او فرا گرفت.

شیخ بهایی یک عالم جامع الاطراف است و در مجموعه علوم اسلامی و غیر اسلامی زمان خود مهارت دارد. می توان شیخ بهایی را فقیه، فیلسوف، محدث و مفسر برجسته شمرد. او همچنین در علم ریاضیات، نجوم، هیئت و معماری نیز صاحب تخصص است. او در همه علوم صاحب نظر است ولی تخصص اصلی شیخ بهایی در علوم اسلامی، به ویژه حدیث و فلسفه است.

وی چندین کتاب حدیثی تألیف کرده است که به صورت مرجع قابل اخذ است. برای مثال کتابی مانند «الوجیزه» در مبحث درایه که در حجم بسیار کمی تنظیم گردیده است، اما تمام علم درایه را با ظرافت و خلاصه گردآوری کرده است.

علاوه بر این ها، شیخ بهایی در علوم دیگر نیز آثاری دارد؛ از جمله:

فقه: اثنی عشریات خمس: نماز، زکات، روزه، حج/ جامع عباسی: شیخ اولین کسی است که یک دوره فقه غیر استدلالی به صورت رساله عملیه به زبان فارسی نوشت و این کتاب اولین رساله عملیه فارسی به زبان فارسی است که در حال حاضر هم مورد توجه است. / در زمینه فقه الحدیث کتاب «الحدیقه الیهالیة» او مورد توجه است. / الحبل المتین.

علوم قرآنی: تفسیر عین الحیوه/ العروه الوثقی/ تفسیر آیه شریفه «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی الکعبین».

علوم غریبه: رساله جفر/ فالنامه

حدیث: حاشیه کتاب «من لا یحضره الفقیه»/ اربعین حدیث: چهل حدیث انتخابی او جنبه های متفاوت زندگی بشری و نظام آفرینش را در نظر گرفته است.

حکمت و فلسفه: وحدت وجود

ریاضیات: اسطراب

ادعیه و مناجات: شرع دعای صباح/ مفتاح الفلاح: شیخ در این اثر نظام مناسبی برای ادعیه طراحی کرده و ارائه داده است.

ادبیات و علوم عربی: اسرار البلاغه/ کشکول

اصول فقه: شرح عضدی

اصول اعتقادات: مقارنه بین امامیه و زیدیه

جناب شیخ بهایی حکیم زمان خود بودند. آثار ایشان فقط به آثار مکتوب محدود نمی شود؛ بلکه ایشان در خلق آثار نوآورانه و خلاق از نوادر زمان صفوی بوده اند:

- طراحی منارجناب اصفهان.

- تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به اختلافاتی که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم داشتند؛

- ساخت و نصب شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان.

شاگردان

اما جناب شیخ بهایی شاگردان بسیاری تربیت کردند که هر کدام از آنها نیز در حوزه فعالیت خود متخصص و سرآمد بودند؛ از جمله:

۱. ملا صدرا شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲. ملا محمدحسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳. شیخ زین الدین عاملی، نوه شهید ثانی (در اعیان الشیعه آمده است که وی نوه «صاحب معالم» است).

۴. محمدتقی مجلسی، پدر علامه محمدباقر مجلسی.

۵. ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضه المتقین.

سیر و سیاحت

شیخ بهایی، حدود سی ۳۰ سال از عمر خود را در سفر گذراند و به شهرها و کشورهای گوناگون سفر کرد، اما متأسفانه جز چند یادداشت مختصر توسط بعضی اطرافیان و همراهان شیخ، سفرنامه‌ای از این سفر سی ۳۰ ساله شیخ به دست ما نرسیده است. جالب اینکه شیخ در این سفرها بیشتر با لباس سیاحان و مردم عادی سفر می‌کرد و ناشناس بود. روایاتی چند از بزرگان حلب و شام و ... در دست است که شیخ را در لباس سیاحان دیده‌اند و هنگامی که شیخ در جلسه‌ای لب به سخن گشوده، از فضائلش او را شناخته‌اند و شیخ فوراً آن شهر را ترک گفته که نزد عموم شناخته نشود. یکی از عواملی که باعث این سفر شد، علاقه شیخ به سیاحت و دیدن و تجربه‌اندوزی بود. عامل دیگری که سهم مهمی در این سفرها داشت، حسادت اطرافیان بود که نمی‌توانستند موقعیت و احترام شیخ را در دربار صفوی تحمل کنند.

استفاده از دربار برای نشر اسلام

فرصت‌های ناب پیش آمده در دوره صفویه، اندیشه‌وران تیزبین شیعی را بر آن داشت که با تمام تنفّری که از پادشاهان خون‌ریز صفوی داشتند، برای ترویج فرهنگ اسلام راستین به دربار راه یابند و خدمات های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شایانی ارائه بنمایند. تشویق پادشاهان صفوی به بازسازی و احداث مساجد، مدارس علمیه، زیارتگاه‌ها، کاروان‌سراها و ... از فعالیت‌های علمای شیعی است. با تلاش جان‌فروسی این اندیشه‌وران، صفویه بستر مناسبی برای جریان یافتن فرهنگ عاشورا گردید و حوزه‌های علمیه شیعه با تلاش آن‌ها جان گرفت و ایران میزبان فقهای بزرگ جهان شد. کوشش بی‌امان فقهای شیعه دستاوردهای بسیار گران‌بهای در بر داشت. همکاری مجتهدان شیعه با پادشاهان صفوی فقط و فقط برای ترویج دین بود.

شیخ بهایی با اینکه در دربار بود، زاهدانه می‌زیست. خانه‌اش پناهگاه فقیران و نیازمندان بود. او از قدرتی که در دربار داشت برای گشایش کار مردم استفاده می‌کرد. سیاست او هدایت کارگزاران حکومت صفوی بود. و در این راه تا اندازه‌ای نیز موفق شد گشت.

موقعیت اجتماعی

شیخ بهائی پس از مرگ پدرش به امر شاه طهماسب به هرات رفت و به جای او به شیخ الاسلامی هرات منصوب شد. این اولین منصب رسمی وی بود.

پس از وفات پدر همسرش (شیخ علی منشار) در همان سال، شیخ الاسلام اصفهان شد. حکم شیخ الاسلامی او را شاه اسماعیل دوم یا شاه محمد خدابنده صادر کرد.

این دانشمند بزرگ زمانی که به درجه حجه الاسلامی نائل شده بود، معماری صحن عتیق (انقلاب) حرم امام رضا(ع) را نیز انجام داده بود.

نقل می‌کنند که شیخ بهائی گذشته از شیخ الاسلامی، منزلت و قرب خاصی در دربار صفوی داشت و در دانش، تقوا، کفایت و کردانی مورد اعتماد شاه عباس اول و طرف مشورت او قرار می‌گرفت. به نوشته اسکندر منشی، شاه از محضر بهایی بهره می‌برد و وجود او را بسیار مغتنم می‌شمرد؛ تا آنجا که پس از بازگشت شیخ بهائی از سفر طولانی، به استقبال او آمد و ریاست علمای ایران را به او پیشنهاد کرد که بهائی نپذیرفت. شاه در امور شرعی خانوادگی نیز به وی رجوع می‌کرد.

نام بلند و پر آوازه شیخ بهایی در جهان شناخته شده است و سازمان بین‌المللی یونسکو سال ۲۰۰۹ را سال بزرگداشت شیخ بهایی در سراسر جهان اعلام کرد و پس از آن در سال ۱۳۸۸ در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز سوم اردیبهشت ماه سالروز تولد شیخ بهایی به عنوان روز معمار شناخته شد.

شیخ بهایی چهره‌ای بسیار مردمی است که در روز مرگش از عارف و عامی و شریف و ضعیف، قریب به پنجاه هزار نفر بر جنازه اش نماز گزارند و جمعیت زیادی پیکر او را با احترام تا مشهد مشایعت کردند.

ستاره های قرآنی

مصاحبه با حافظ کل قرآن کریم، استاد حفظ، برگزیده مسابقات حفظ سی و هشتمین جشنواره قرآن و عترت دانشجویی: سرکار خانم سیده فاطمه رسولی.

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام عليكم

لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

بنده سیده فاطمه رسولی متولد ۱۳۸۱ و دانشجوی ورودی ۱۴۰۰ مقطع کارشناسی، رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه الزهراء (س) هستم. بیشتر در زمینه حفظ کار می‌کنم و مدرس حفظ قرآن برای کودک و نوجوان می‌باشم. همچنین دوره‌های تربیت مربی حفظ، تربیت مربی روخوانی و روانخوانی و تربیت داور حفظ را گذرانده‌ام. اساتید و الگوهای شما چه کسانی بودند؟

استاد حفظ بنده سرکار خانم افسانه خانجانی بودند. قبل از آن زمان که تازه شروع به حفظ قرآن کردم، علاقه‌ای به حفظ نداشتم و حس می‌کردم که حفظ کار نسبتاً سختی است و اراده قوی می‌خواهد؛ اما راهنمایی‌های ایشان بسیار کارگشا بود و بنده را در این زمینه یاری کرد. تا به حال در چه مسابقاتی شرکت کرده‌اید؟

مسابقات امام علی (ع)، اوقاف، مدهامتان، بسیج، قرآن و عترت دانشجویان کشور و

غیر از فعالیت‌های قرآنی، در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کنید و به چه کارهایی مشغول هستید؟

راستش اصل فعالیت بنده در زمینه حفظ است؛ اما در کنار آن، زمان‌هایی که وقت خالی داشته باشم، به‌عنوان کمک‌مربی پیش‌دبستانی مشغول می‌شوم و اوقاتم را می‌گذرانم.

چند توصیه به افرادی که در حال حفظ هستند یا می‌خواهند حفظ را شروع کنند، بفرمایید.

توصیه‌ای که به حافظان محترم دارم این است که حتماً مرور محفوظات، و مرور ده درس را جدی بگیرید. حافظ اگر یکی دو روز مرور نکند، برنامه از دستش خارج شده و واقعاً نمی‌تواند برنامه‌ریزی کند و انگیزه‌اش کم می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که در موفقیت حافظ خیلی مؤثر است، این است که در مسابقه شرکت کند. نگوید که محفوظاتم کم است، نمی‌توانم، تپق می‌زنم و همین خودش باعث می‌شود که حافظ اعتماد به نفسش بالا برود و بتواند بیشتر موفق شود.

دیگر اینکه حتماً استاد حفظ داشته باشند. نبودن در کلاس انگیزه را از بین می‌برد. سعی کنند اگر جزء‌ی تمام شد، نذری داشته باشند یا ثواب حفظ آن جزء را به ائمه معصومین (ع) اهدا کنند. باید با علاقه قرآن را حفظ کنند. توقف حفظ نیز انگیزه را کم می‌کند.

مسابقه قرآن و عترت دانشجویان امسال از نظر شما چگونه بوده است؟

راستش مسابقه امسال در مقایسه با پارسال، از نظر برگزاری و سطح سوالات بسیار بهتر بود. امیدواریم که ان‌شاءالله مشکلات جزئی دیگری مانند زمان مسابقات نیز برطرف شود.

امید است که ان‌شاءالله به سخنان رهبری توجه داشته باشیم و در چند سال آینده شاهد تربیت میلیون‌ها حافظ باشیم.



تدبیر در صحیفه سجادیه

رحمانه مروتی، کارشناس علوم قرآن و حدیث

در این دنیا هر چیزی با چیز دیگری در ارتباط است. علوم نیز از این مورد مستثنا نیستند و ارتباطشان با یکدیگر ثابت شده است. علم روانشناسی پر است از نظریه‌های گوناگون که در طی سال‌ها جمع‌آوری شده است. بر اساس یکی از این نظریه‌ها، اگر انسانی بخواهد از بند فکری رها شود، کافی است به آن اقرار کند و به زبان بیاورد. چرا که وقتی به زبان می‌آورد، در نزد خودش این فکر و موضوع را باور می‌کند و می‌پذیرد و هنگامی که آن را بپذیرد، شروع به تغییر می‌کند. همین موضوع در اسلام نیز وارد شده است. آن‌گونه وقتی که معصوم(ع) علیه اسلام می‌فرمایند: «هیچ‌کس بخشیده نمی‌شود، مگر آنکه به گناه خود اعتراف کند.» اعتراف به گناه و بیان کردن آن برای انسان شکننده است و حالت ناخوشایندی را به او دست می‌دهد. اما کافی است که فقط با جزئیات به گناه و فکر و ... اعتراف کند. همین مطلب کوچک در روانشناسی شده است یکی از دعاهای مخصوص صحیفه سجادیه! امام سجاد(ع) در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه، با ادبیات خودش اعتراف به گناه کرده اندست. این دعا برای هر کس که می‌خواهد با جزئیات به کارهای خود اعتراف کند و سپس آن را بپذیرد و تغییر کند، مناسب است. امام سجاد(ع) علیه السلام به خوبی در این دعا از علم روانشناسی انسان استفاده کرده‌اند.





دانشگاه الزهراء